

روابط ایران و آمریکا؛ تحولات جدید، دیدگاه‌های تازه

■ پاسخ به اظهارات مرد قدرتمندی نظیر آقای محتشمی نشان داد که در ایران

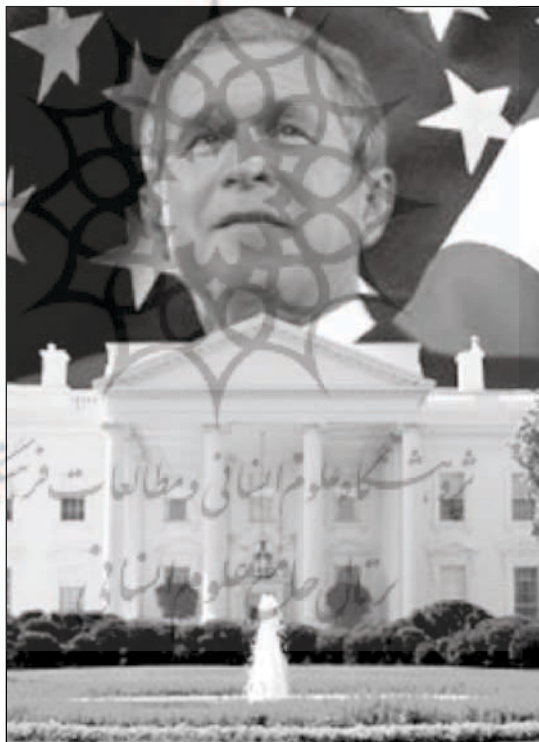
دیگر سخن گفتن از مذاکره با آمریکا یک تابو نیست

بارها هرگونه دخالت ایران در ماجرای انفجار ظهران را نفی کرده‌اند، "جان اشکرافت" دادستان کل آمریکا، کیفرخواستی را علیه متهمان به دخالت در انفجار ظهران تنظیم کرد و به جریان انداخت که نام ایران نیز در آن گنجانده شده بود. در این مورد هم گرچه ماجرا در مرحله صدور یک ادعنامه است و امکان دارد در مراحل رسیدگی وضع تغییر یابد، مع هذا در ایران ماجرا چنان تفسیر شد که گویی محکومیت ایران قطعی است.

۴- و بالاخره یک قاضی فدرال آمریکا، موسوم به "رویس، سی، لامبرت" جمهوری اسلامی ایران را به پرداخت ۲۲۳ میلیون دلار به خاطر آدم‌ربایی‌هایی که در دهه ۸۰ میلادی در لبنان انجام شده است، محکوم کرد. گرچه در عرف جامعه آمریکا، قوه قضاییه مستقل از سایر مراکز قدرت عمل می‌کند، اما حتی اگر همزمانی صدور این حکم با اقدامات فوق اتفاقی باشد، مع هذا هم به دلیل تازگی صدور این نوع احکام و هم به دلیل غیرمتعارف بودنش، به عنوان یک سرفصل منفی در روابط ایران و آمریکا ارزیابی می‌شود.

با این تحولات، ابرها در آسمان روابط ایران همانقدر تیره شدند که قبلاً تیره بودند. این تیرگی، زمان روابط مبرآلود ایران و

نمایندگان آمریکا، تحریم‌های ایران را به مدت ۵ سال دیگر تمدید کرد. در ایران، برخی محافل و مطبوعات که مذاکره با آمریکا را کفر می‌دانند، این مصوبه را که برای نهایی شدن، باید راه درازی طی



گروهی از تحلیل‌گران بر این باورند بن بست روابط آمریکا با ایران در یکی از روزهای دوره اول ریاست جمهوری بوش خواهد شکست.

کند، به عنوان یک تصمیم نهایی شده به افکار عمومی معرفی کردند، در حالی که تا کنگره آن را تصویب نکند، جنبه قانونی ندارد. و این کارها هم - اگر قرار است بشود - هفته‌ها طول خواهد کشید.

۳- با وجود آنکه مقامات عربستان سعودی

آشتی‌کنان ایران و آمریکا با هم به تعویق افتاد و آن گروه از افراد محافلی که در آمریکا و ایران به ذوب شدن یخ‌های ضخیمی که بین تهران و واشنگتن حایل است، امیدوار بودند، بار دیگر دچار سرخوردگی شدند.

پیروزی سیدمحمدخاتمی در انتخابات هیجدهم خرداد سال جاری، امیدو خوش بینی محافل و افراد علاقمند به از سرگیری روابط ایران و آمریکا را بیش از هر زمان دیگر افزایش داد. اندکی بعد، در آستانه تیرماه، وقتی مجمع نمایندگان ادوار گذشته مجلس شورای اسلامی، نامه‌ای خطاب به کنگره و سنای آمریکا نوشتند، حتی در محافل محتاط، ماجرا چنین ارزیابی شد که این نامه می‌تواند به عنوان یکی از نخستین گام‌ها برای آغاز گفتگوهای مقدماتی - و البته در سطوح غیردولتی در کشور - تلقی شود؛ گفتگوهای که هموار کننده مسیر گفتگوهای رسمی آتی خواهد بود.

اما در چنین اوجی از امیدواری، ناگهان ایالات متحده آمریکا علیه ایران چند اقدام خصمانه انجام داد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از:

۱- اعلام آماده‌باش نیروهای مسلح آمریکا در خلیج فارس. گرچه در بیانیه‌های رسمی

آمریکاییان علت این آماده‌باش، مقابله با اقدامات احتمالی بن لادن و یا یک دشمن نامعلوم ذکر شده بود، اما در ایران، ماجرا چنین ارزیابی شد که این آماده‌باش به منزله هشدار می‌باشد.

۲- همزمان، کمیته روابط بین‌المللی مجلس

واقع امر این است که نوع اختلاف ایران و آمریکا در تاریخ اگر بی سابقه نباشد، کم سابقه است. برای پی بردن به این واقعیت کافی است به حادثه‌ترین بحران‌هایی که ایران یا آمریکا با دیگر کشورها داشته‌اند، توجه کنیم.

از چند دهه قبل، حکومت کمونیستی فیدل کاسترو در نزدیکی سواحل آمریکا مستقر است. زمانی، در دوره نیکیتا خروشچف و جان اف. کندی

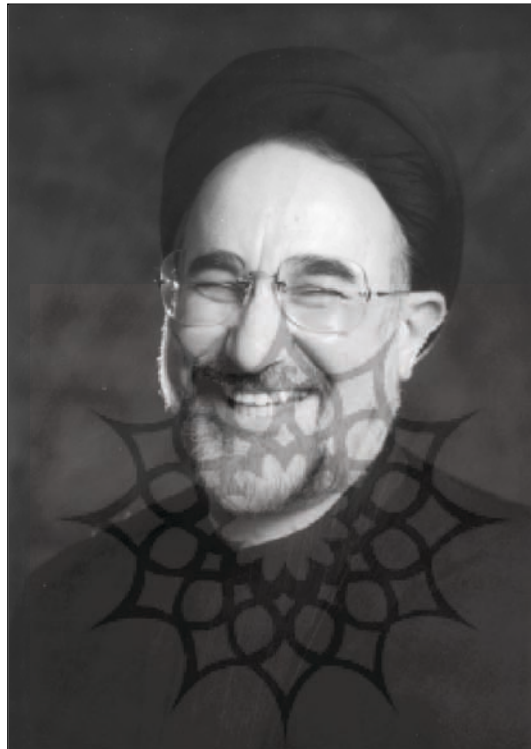
(رؤسای وقت دولت‌های شوروی و آمریکا) دولت آمریکا در قبال برنامه استقرار موشک‌های شوروی در خاک کوبا چنان موضع سرسختانه‌ای اتخاذ کرد که حتی بیم آغاز جنگ سوم جهانی می‌رفت. آن بحران پایان یافت و از آن زمان تاکنون، آمریکا وجود کوبای کمونیست را در جوار خود تحمل کرده است. اخیراً حتی کوششی جدی برای سرنگونی این حکومت از سوی آمریکا انجام نمی‌شود، و به عکس، موانع رفت و آمد جهانگردان و بازرگانان آمریکایی به کوبا تا حد زیادی برداشته شده است.

در جریان جنگ ویتنام، آمریکا گسترده‌ترین و دهشتناک‌ترین عملیات نظامی را بر ضد ویتنام شمالی آن زمان و چریک‌های ویت کنگ (که بر ضد حکومت ویتنام جنوبی و ارتش آمریکا می‌جنگیدند) به اجرا گذارد. کینه آمریکا و ویتنام شمالی (که بعداً حاکم سراسر ویتنام شد) فراتر از کینه دو دشمن بود. اما اکنون دو دولت نه فقط روابط سیاسی و اقتصادی دارند، بلکه سال گذشته کلینتون رییس‌جمهور پیشین آمریکا به ویتنام سفر کرد و مورد استقبال گرمی هم قرار گرفت.

در این سو، جمهوری اسلامی ایران، زمانی عربستان سعودی را یکی از دشمنان آشتی‌ناپذیر خود می‌دانست و پس از کشتار حجاج ایرانی در عربستان، چنین گفته شد که اگر ما از گناهان آمریکا و صدام بگذریم، از آل سعود نخواهیم گذشت. اما اکنون ایران و عربستان دارای روابط سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای هستند و اخیراً هم یک پیمان امنیتی امضاء کرده‌اند. ایران در مورد حکومت مصر و پادشاهی اردن نیز مواضع سرسختانه‌ای داشت، اما اکنون از پادشاه اردن

برای بازدید از تهران دعوت می‌کند و در زمینه برقراری مناسبات عادی بین تهران با قاهره، نرمش زیادی نشان می‌دهد. با توجه به این سوابق و سوابق فراوان دیگر، چه عاملی موجب شده است که ایران و آمریکانتوانند اندکی از اختلافات بین خود بکاهند؟

نگاه واقع بینانه به وقایع سال‌های اخیر نشان می‌دهد هر دو طرف در مقاطعی از زمان، تمایل خود



اندکی بعد از انتخاب مجدد خاتمی نامه، مجمع نمایندگان ادوار مجلس برای کنگره آمریکا ارسال شد. شخص خاتمی سکوت کرد، سنت گرایان، فرستندگان این نامه را نکوهش کردند و اصلاح طلبان نیز موضعی احتیاط آمیز اتخاذ کردند.
(عکس از جهانگیر زرمی)

رشته‌ها را پنبه می‌کند. این کدام عامل ناشناخته است که چنین وضعی را به وجود می‌آورد؟ اهمیت این پرسش در این است که توجه داشته باشیم، آمریکایی‌ها نیز به اندازه انگلیسی‌ها هم به دلیل عملکردشان در یکصد و پنجاه ساله اخیر درباره ایران و هم به دلیل حمایت همه جانبه‌شان از سلمان رشدی، چند سال قبل در وضعی قرار داشتند که واقع‌نگرترین افراد معتقد شده بودند تهران اگر هم در برابر واشنگتن نرمش نشان دهد، در قبال لندن نشان نخواهد داد. اماروندتحوالات، عکس این نظریه بود. اکنون نه تنها قوی‌ترین و زیرک‌ترین دیپلمات‌های انگلیسی در سفارت این کشور در تهران حضور دارند، بلکه شرکت‌های نفتی انگلیسی، کلان‌ترین قراردادهای نفتی را با ایران بسته‌اند و ده‌ها دفتر نمایندگی از بزرگترین و متنفذترین شرکت‌های صنعتی، مالی و تجاری این کشور دایر است و بی‌جنجال و سر و صدا در پرسودترین پروژه‌ها و معاملات ایران هم سهیم و شریک می‌شوند.

خشم آمریکایی‌ها

شرکت‌های بزرگ آمریکایی، بویژه شرکت‌های نفتی، با خشم شاهدند که بهترین و سودآورترین قراردادهای نفتی ایران، نصیب شرکت‌های رقیب آنان، مخصوصاً شرکت‌های انگلیسی و تاحدودی فرانسوی و ایتالیایی می‌شود. صنعتگران و بازرگانان آمریکایی نیز در این احساس بانفتی‌های آمریکا شریکند و خود را مغبون می‌دانند. مجموع این گروه‌ها به هیأت حاکمه آمریکا فشار می‌آورند تا در سیاست‌های خصمانه خود نسبت به

ایران تجدیدنظر کند. این فشارها گاهی مؤثر واقع می‌شود کاخ سفید و نرمش‌هایی را نشان می‌دهد. اما وقوع یک حادثه وضع را به حالت سابق بر می‌گرداند.

در زمینه همین حوادث اخیر و مشخصاً در زمینه تمدید تحریم‌ها، بخش سیاسی خارجی روزنامه رسالت می‌نویسد:

تمدید تحریم ایران از سوی کمیته روابط بین‌المللی مجلس نمایندگان آمریکا برای پنج

را برای گشودن باب گفتگوها نشان داده‌اند و گام‌هایی را هم برداشته‌اند. از ماجرای مک‌فارلین گرفته، تا ملاقات بعضی از دانشجویان جریان موسوم پيروان به خط امام و از حضور مقامات بلندپایه دو کشور زیر سقف یک اتاق در اجلاس‌های سازمان ملل گرفته تا اعزام هیأت‌های ورزشی و سیاحتی آمریکا به ایران، یا ایران به آمریکا. اما هرگاه که این تصور قوت می‌گیرد که گامی به سوی تفاهم برداشته شده، یک حادثه ناگهانی، همه

سال دیگر، دستیاران کاخ سفید را به واکنش واداشت.

دستیاران کاخ سفید در خصوص تمدید تحریم ایران گفتند: رییس جمهوری آمریکا تمایل داشت با کوتاه کردن مدت زمان قانون تحریم ایران و لیبی، راه را برای بهبود روابط با این دو کشور در صورت بروز تحولات جدید در رفتار آنان باز کند، ولی تبلیغات گسترده گروه های نفوذ (لابی) صهیونیست ها در آستانه بررسی لایحه تمدید قانون تحریم ایران و لیبی، باعث شد کاخ سفید در این راستا تلاش زیادی به خرج ندهد...."

"... همزمان با اعلام تمدید تحریم ایران، جان براون" رییس شرکت بریتیش پترولیوم در مصاحبه با فاینانشال تایمز گفت: با وجود آن که این شرکت در مورد موقعیت های مربوط به اکتشاف نفت در مقایسه با رقبای خود، کمی دیر وارد صحنه شد، اما امیدوار است قرارداد بزرگی را در این کشور کسب کند. "براون" در این مصاحبه تصریح کرده است: بریتیش پترولیوم در چندین جبهه در حال تلاش برای حصول قرارداد با ایران می باشد."

اگر قرار باشد گناه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را که به ادامه حکومت محمدرضا، سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق و ادامه غارت منابع نفتی ایران منجر شد، تقسیم کنیم، در خوش بینانه ترین فرض، سهم شرکت بریتیش پترولیوم، مساوی با سهم Mi6 (سازمان جاسوسی انگلیس) و CIA است. اما همین شریک جرم، اکنون با قدرت وارد بازار نفت ایران شده است، در حالی که همتایان آمریکاییش (که البته آنها هم عملکردی شبیه آن دارند) از این فرصت محروم مانده اند.

اگر در آمریکا لابی های قدرتمند تجدیدنظر در سیاست های کاخ سفید و اشنگتن در قبال ایران می شوند، در ایران نیز محافلی وجود دارند که هرگونه نرمش را در قبال آمریکا، در هر شرایطی که باشد، مردود می دانند.

برای درک بهتر موضوع، پیامدهای یکی از تحولات اخیر، یعنی نامه نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی به کنگره و سنای آمریکا را بررسی می کنیم.

حجت الاسلام محتشمی، مرد قدرتمندی که در زمان صدارتش بر وزارت کشور، توانست مؤثرترین اقدامات را برای حذف نیروهای موسوم به ملی و مذهبی (که نقش اصلی در ملی کردن صنعت نفت در آغاز دهه سی داشتند) انجام دهد، در مخالفت با این نامه، در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی (جلسه چهارشنبه، ششم تیر ۸۰) گفت: "... بنده می خواهم عرض کنم با توجه به اینکه نام مادر آن در مجمع هست، اما نام و امضای هیچ یک از نمایندگان پای این نامه نیست و حتی شورای مرکزی این مجمع نیز اطلاعی از آن نداشته اند... اگر بخواهیم واقع گرا و به اصطلاح برخی از دوستان خردگرا باشیم، باید مقداری راجع به آمریکا و کنگره و سنای آمریکا شناخت داشته باشیم، ولی نامه مذکور دلیلی است بر این مسئله که تنظیم کنندگان آن، هیچ شناختی نسبت به آمریکا، کنگره و نمایندگان و

اداره کنندگان آن که صهیونیست و دشمن انقلاب اسلامی، ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی هستند، ندارند..."

اگر چند سال قبل آقای محتشمی چنین موضعی می گرفت، کسی را جرأت پاسخگویی به وی نبود. اما پس از اظهارات اخیر ایشان، عده ای از نمایندگان ادوار مجلس، نسبت به این سخنان واکنش نشان داده اند، و از جمله رحمان خلیلی، عضو مجمع نمایندگان ادوار مجلس در جمع خبرنگاران گفت: "یکی از مسایل مطرح قرن حاضر نامگذاری آن به عنوان قرن ارتباطات و حل مسایل جهان با استفاده از خرد و عقلانیت است."

وی گفت: "نامه مجمع نمایندگان ادوار نیز بر همین مبنا نوشته و در جلسات متعدد شورای مرکزی بحث و تصمیم گیری شد. وی اضافه کرد: "بر اساس خط مشی تنش زدایی خاتمی قصد داشتیم اعلام کنیم که با مردم

The 'October Surprise'
MAKING OF A MYTH
How Reagan and Bush Came to Be Falsely Accused of Treason in the Iran Hostage Release

در سال های پس از قطع رابطه بین ایران و آمریکا، محافل خاصی هرگاه امکان کاهش تنش میان دو کشور را جدی می دیدند، جنجالی برپا می کردند. عکس که جلد مجله نیوزویک ۱۱ نوامبر ۱۹۹۱ را نشان می دهد، یکی از این موارد است. در پس زمینه عکس، اعضای سفارت آمریکا پس از به گروگان گرفته شدن دیده می شوند و بر روی این پس زمینه نوشته شده: "شگفتی اکبر. چطور یک اسطوره ساخته می شود. در ماجرای آزادسازی گروگان ها در ایران بوش (پدر جورج دبلیو بوش - رییس جمهور فعلی آمریکا) و ریگان چگونه به اشتباه متهم به خیانت شدند؟"

آمریکا تضادی نداریم و در صورت حفظ منافع اصولی کشورمان توسط آمریکا حاضر به ایجاد ارتباط و مذاکره هستیم".
رحمانی خلیلی با اشاره به اینکه آقای محتشمی در هیچ یک از جلسات شورای مرکزی حضور

**برخی محافل
معتقدند روش های
اخیر آمریکا بخشی
از سیاست "چماق
و هویج" است. اگر
چماق مؤثر واقع
نشود، آمریکایی ها از
هویج استفاده
خواهند کرد**

نداشته است، گفت: "در احزاب و گروه ها عرف این نیست که تک تک مجموعه، تصمیم گیری ها را امضاء کند ضمن اینکه عرف هم نیست که اگر تصمیمی از سوی شورای مرکزی گرفته شد، یک نفر زیر آن بزند".

رحمانی خلیلی با اشاره به وجود گروه های دوستی پارلمانی بین ایران و سایر کشورها و نظر امام در خصوص قطع رابطه تنها با اسرائیل گفت: "ما می توانیم با همه کشورها بر اساس منافع مشترک رابطه دوستی داشته باشیم".

شهربانو امانی، نماینده ارومیه نیز با اشاره به عدم حضور محتشمی در جلسات مجمع نمایندگان ادوار گفت: "اینکه ایشان گفته اند هیچکس این نامه را امضاء نکرده، صحیح نیست. زیرا در شورای مرکزی بحث هایی انجام و پس از طرح نظرات موافق و مخالف، رأی گیری شد و ارسال نامه به آمریکا به تصویب رسید".

وی با اشاره به اینکه هنوز موضع تحریم های ایران در مجالس آمریکا به رأی گذاشته نشده است، گفت: "اندیشه را باید با اندیشه جواب داد و باید

از لابی های پر قدرت صهیونیست ها در مجالس آمریکا جلوگیری به عمل آورد".

امانی تأکید کرد که جمهوری اسلامی بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت می تواند روابط مردمی خود را برقرار کند. این سخنان نشان می دهد که دیگر در ایران و از نظر برخی مراکز و محافل قدرت، سخن گفتن از مذاکره با آمریکا و دیگر یک "تابو" نیست.

یک نظر به متفاوت

آمریکاییان در فرهنگ سیاسی خود یک اصطلاح قدیمی دارند که به "سیاست هویج و چماق" معروف است. مفهوم این اصطلاح آن است که دیپلماسی آمریکا دو گزینه را در بر خورد با یک بحران یا با یک کشور خصم در نظر می گیرد. یکی توسل به فشار و زور (چماق) و دیگری دادن امتیاز (هویج). در موارد مختلف و بسته به ماهیت "سوژه" گاهی چماق بر هویج مقدم می گردد و گاهی هویج بر چماق. یعنی در مواردی آمریکا ابتدا با نرمش و وعده دادن امتیاز وارد بازی با طرف مقابل می شود (هویج) و اگر موفق نشد آن گاه زور را به کار می گیرد. گاهی به عکس، ابتدا مبادرت و به تهدید و قدرت نمایی می کند تا شاید با گرفتن حداکثر امتیاز و دادن حداقل امتیاز، به مقصود خود برسد. اما اگر توفیق نیافت، شروع به دادن امتیاز می کند.

برخی ناظران و تحلیل گران سیاسی معتقدند از نظر آمریکا، زمان آن رسیده که در مورد ایران تجدید نظر اساسی شود. هم رییس جمهور بوش که تازه قدرت را به دست گرفته و هم رییس جمهور خاتمی که با اکثریت قاطعی برای دور دوم برگزیده شده، واجد امکانات و اقتداراتی هستند که بن بست ۲۲ ساله روابط دو کشور را بگشایند، مخصوصاً که برخی از مهم ترین مراکز پژوهشی آمریکا، نظیر مؤسسه "راند" منافع آمریکا را در دوستی - و نه دشمنی - با ایران دیده اند و رییس جمهور جدید را اندرز داده اند که برای گشودن باب مذاکره با ایران اقدام کند.

همین ناظران و تحلیل گران معتقدند بوش سیاست "چماق و هویج" را انتخاب کرده است. یعنی ابتدا از طریق قدرت نمایی و استفاده از اهرم های فشار وارد میدان شده است، اما اگر احساس کند ایرانیان سرسخت تر از آن هستند که او گمان

می کرده، آنگاه سیاست هویج را که واگذاری امتیاز و نشان دادن نرمش خواهد بود، پیشه می کند. برخی رویدادهای اخیر را می توان در راستای تأیید این نظریه ارزیابی کرد. به عنوان مثال، در حالی که کمیته خارجی مجلس نمایندگان، تحریم ها علیه ایران را برای ۵ سال تمدید کرده، دولت بوش خواهان کاهش مدت تحریم به دو سال است. علاوه بر این در میزگرد شورای همکاری ایران و آمریکا که اوایل تیرماه در کنگره آمریکا تشکیل شد "رابرت نای" عضو مجلس نمایندگان از ایالت اوهایو گفته است: "من امروز اعلام می کنم که عده ای از دموکرات ها و جمهوری خواهان را در کنگره با خود همراه ساخته ام و حاضریم با هر کس که از ایران بیاید و یا در ایران و یا در هر جای دیگر گفت و گو کنیم".

**وقتی "بریتیش
پترولیوم" - یکی
از سه عامل
کودتای ۲۸ مرداد
۳۲ - با قدرت
وارد بازار نفت
ایران می شود،
شرکت های
آمریکایی احساس
می کنند حسابی
مخبون شده اند**

هم تحلیل گران دسته اول و هم تحلیل گران که با نظریات دسته اول موافق نیستند، در یک موضع اشتراک نظر دارند و آن این است که، روزی دیواری که سبب بن بست روابط ایران و آمریکا شده، فرو خواهد ریخت. احتمال زیاد دارد این روز، یکی از روزهای دوران اول ریاست جمهوری بوش و دوران دوم ریاست جمهوری محمد خاتمی باشد.